



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۶/۲۵

عبدالباری جهانی

در باره ترجمه متون تاریخی

قبل از همه باید نگاشت که ما افغانها از تحریر نمودن کتب تاریخی به تراجم کتب تاریخی زیاد تر ضرورت داریم. اولاً اینکه در زمینه، طوریکه شاید و باید است، تحقیق و نوشته صورت نگرفته و باید این خلا را به هر صورتیکه میتوانیم باید پر نمود و متون تاریخی هرچه مستند تر و مفید تر به دسترس نسل جوان خود گذاشت. ثانیاً باید نظرات خارجی ها و همسایه های خود را درباره وقایع تاریخی کشور خود به اطلاع خواننده گان خود برسانیم؛ تا خوانندگان خود را از نظریات، نیات و عقاید دیگران مسبوق گردانیم. ولی در ضمن ترجمه های متون تاریخی باید از احتیاط کامل کار بگیریم. چون بعضاً نظریات و نوشته های خارجی ها بی غرض و ببطرف مینماید ولی اغراض شومی در آن نهفته میباشد. و یا لا اقل معلومات و اطلاعاتی را که ارایه میدارند با واقعیت ها تاریخی متفاوت میباشد.

امروز ۲۴ جون در سایت وزین افغان جرمن یک قسمتی از ترجمه روان و مغتنم محترم تمهید سیلانی بچشم خورد که با زیبایی تمام ترجمه شده بود و مطمئن هستم که حق موضوع را باید بخوبی ادا کرده باشد. ولی در مضمون فوق بعضی اشتباهات تاریخی بچشم میخورد که لازم است یاد آوری نمایم. ترجمه مذکور از کتاب پروفیسر دکتور اورهان بازیچی، تحت عنوان « نخستین روابط دولت عثمانی و افغان ها در ایران پس از فروپاشی صفویان » صورت گرفته است؛ که یقین دارم نویسنده آن شخص باصلاحیتی بوده است.

در مضمون فوق، که باید حصه اول یک کتاب تحقیقی باشد، ص ۳ تحت عنوان میرویس خان و علمای عثمانی میخوانیم که میرویس با نواسه شاه جهان از دواج نموده بود و آنرا یکی از علل نفوذ او در دربار مغولی خوانده میتوانیم. این یک غلطی فاحش است. مغول های هند هیچگاهی دختران خود را به شوهر نمیدادند بخصوص که نه تنها از اشراف زاده های هندوستان نه بلکه خارج از سرحدات هندوستان باشد.

این اشتباه تاریخی پروفیسر اورهان بازیچی از کتابی نشأت نموده که یک نویسنده ایکه اسم هم ندارد و تحت اسم صاحب منصب سویدی Swedish Officer نگاشته است و اسم کتاب خود را کرومویل فارسی یا ایرانی The Persian Cromwell نامیده است. این کتاب را، که سراپا مملو از دروغهای شاخدار است یک نویسنده متعصب و بی مسوولیت بنام داکتر عبدالخالق لعل زاد ترجمه نموده و در سایت « آریایی » به نشر رسانده است. نویسنده این کتاب ادعا دارد که پدر میرویس امیرمحمدباقر نام داشت و از قبیله تاتار در بخارای کوچک بود و . . .

نویسنده کتاب مذکور، که هیچ نوع مسوولیت را احساس نمی کند، در ضمن صدها دروغهای شاخدار خود، که با هیچ متن تاریخی نمیخواند، ادعا میکند که میرویس یک روز از کلکین قلعه شاهی مغول یک دختری را دید و عاشقش شد. پدر خود را ازین حادثه اطلاع داد و او هم از اورنگزیب خواستگاری نمود و اورنگزیب هم درخواست را قبول نموده و نواسه شاه عالم که دختر شهزاده مطیع الدین بود، به حباله نکاح میرویس در آورد.

نویسنده سویدی یا صاحب منصب سویدی اسم نواسه اورنگزیب را روشن آرا بیگم میآورند که اصلاً دختر شاه جهان و طرفدار اورنگزیب در جنگهای خانوادگی بود.

البته نویسنده ترکی، پروفیسر اورهان بازیچی این دختر را نواسه شاه جهان قلمداد نموده و در متن کتاب خود آورده اند، که باید نمی آورد و از دقت بیشتر کار میگرفت.

اولین نویسنده افغان که در زمینه سلسله هوتکی ها در قندهار نسبتاً به تفصیل تذکری بعمل آورده همانا سلطان محمدخان بارکزایی بوده که کتابی را تحت عنوان تاریخ سلطانی ترتیب نموده و در ضمن حوادث و جنگهای بین غلجایی ها و ابدالی ها مینگارند « . . . تا اینکه بعد از فوت جعفرخان سدوزایی کامران خیلی زوجه اش درخو نام و دخترش خانزاده نام بی وارث بودند میرویس را بدامادی پسند نمودند تا در امورات ایشان قیام ورزند و خانزاده نام مذکور را بعقد ازدواجش در آورند. میرویس آنرا از فتوحات غیبی و فیوضات لاریبی دانسته حسب المرام بدان پرداخت و خود را سبب محرم طایفه سدوزایی ساخت . . . تاریخ سلطانی ص ۷۱

هیچ مأخذ تاریخی از نکاح دوم احتمالی میرویس خان ذکری بعمل نیاورده.

در کتاب پروفیسر اورهان از سرکوبی هزاره ها بدست میرویس خان، به امر گرگین ذکری بعمل آمده که در هیچ متن تاریخی از آن یادآوری نشده است.

در کتاب پروفیسر اورهان، بعد از برگشتن میرویس از اصفهان، اشاره به دعوتی صورت گرفته که میرویس خان گویا در کوهکران برای گرگین ترتیب داده بود و در همان دعوت او را با سپاه و کسانی همراهش از بین برد.

در حالیکه این یک افسانه ایست که سرچشمه آن کتاب مشهور هانوی بوده که سبب گمراهی اکثر نویسندگان و محققین بعدی گردیده است. در کتاب سیاح مسیحی یا کروزینسکی، تاریخ سلطانی، تواریخ خورشید جهان قتل گرگین را در ده شیخ واقع در ارغسان ذکر نموده اند که از کوهکران شاید بیش از صد میل فاصله داشته باشد. و ضمناً هیچ یکی از آثار مذکور ذکر دعوت میرویس به گرگین و نشه نمودن او و بعد از آن کشتن او ذکری بعمل نیامده. بلکه گرگین ضمن معاینه نمودن قوای عسکری افغانها در حمله ناگهانی قوای میرویس، توسط مراد نام، که گفته میشود غلام میرویس خان بوده، از بین برده میشود.

در کتاب پروفیسر اورهان آمده که برادرزاده گرگین الکزاندر هم با او یکجا کشته شده است در حالیکه الکزاندر برادرزاده گرگین دوسال بعد از قیام موفق قندهار بسال ۱۷۱۱ بتاریخ ۲۲ سپتامبر در حوالی قندهار در حالی که با برادرزاده دیگر گرگین خسروخان، که برای انتقام گیری از خون کاکای خود به قندهار فرستاده شده بود کشته شده است. لاکهارت انقراض سلسله صفویه ص ۱۰۵

صمناً اسم خواجه سرای شاه حسین صفوی را محمود آغا نگاشته اند. خواجه سرای وفادار شاه حسین صفوی احمدآغا نام داشت. تاریخ سیاح

اینکه میرویس خان بنام خود خطبه خوانده و سکه زده است بغیر از تاریخ هانوی « انقلابات ایران » The Revolutions of Persia کدام اثر تاریخی که قابل استناد باشد ذکری بعمل نیاورده اند. ضمناً الفاطیکه پروفیسر ترکی ما در ضرب سکه میرویس خان ذکر مینمایند عیناً همان کلماتی است که در شعر مرحوم خلیلی ذکر شده و فرهنگ مینویسند که استاد خلیلی مفهوم مورخین عراقی!! را به دری آورده اند. دارالقرار قندهار، میرویس نامدار، شاه عالم و خان عادل کلماتیست که در نظم خلیلی آمده و خلیلی هم این نظم را به تأسی از ادعای هانوی آورده اند. ورنه هیچ مأخذ دیگری از اعلام پادشاهی میرویس چیزی نگفته است.

اگر نماینده های ترکیه عثمانی در آن وقت از سکه و خطبه و اعلام شاهی میرویس خان سخنی بمیان آورده اساس همه این ادعا ها آوازه های اند که شاید در آن وقت در اصفهان دهان به دهان میگشتند ورنه هیچ صاحب منصبی یا نماینده دربار عثمانی قدمی از خاک ایران فراتر نگذاشته اند که در باره حوادث آن وقت چشم دید خود را به رشته تحریر کشیده باشند.



[په افغان جرمن آنلاين پورتال کی د جهانی صاحب آرشیف](#)